

## « لنوکس برکلی، آهنگساز معاصر انگلیسی »

در پنج سال اول قرن بیستم موسیقی انگلستان با تولد پنج آهنگساز، غنی و بارور شد و رونقی خاص گرفت. گرچه این پنج آهنگساز هر یک براهی رفته اند، با وجود این در گسترش و توسعه موسیقی انگلستان دست داشته اند. آنان عبارتند از « ویلیام والتون » ۱، « ادمولد رابرا » ۲، « آلان راورستورن » ۳، « میشل تیپت » ۴ و « لنوکس برکلی » ۵. این آهنگسازان با کمک یکدیگر در تجدید حیات موسیقی بریتانیا کوشیدند و توجه کشورهای دیگر را به موسیقی خود جلب کردند.

همچنانکه اشاره شد آهنگسازان مذکور از نظر خصوصیات آهنگسازی و استعداد و قریحه بایکدیگر اختلاف دارند، اما همه آنها از یک نقشه و طرح معین برای پیشرفت هنر موسیقی پیروی کرده اند. اینان به سنن موسیقی انگلیسی توجه نمودند و کوشیدند که به سرچشمه این سنن که بازمانده موسیقی سده های گذشته و موسیقی محلی بود، راه یابند. باید دانست که یکی از مشخصات هنرمندان معاصر

۱ - William Walton - ۲ - Lennox Berkeley

۳ - Edmund Rubbra - ۴ - Alan Rawsthorne

۵ - Michael Tippett



انگلیسی ، عکس العملی است که بر علیه محدودیت خصوصیات محلی نشان می دهند زیرا طرد آداب و رسوم محلی برای مملکتی که از نظر معنوی و جغرافیایی بصورت جزیره است ، کار آسانی نیست .

آنچه در بالا ذکر شد در مورد ستر اوینسکی صدق نمی کند ، چه او تغییر و تحول زیادی در سبک آهنگسازی خود داده و علاوه بر آن از نظر کنجکاوی های تاریخی تابع شرایط خاصی نبوده است و اصولاً در مدت کوتاهی در هر زمینه ای احساس خستگی می کرده است .

در هر حال ، بسیاری از هنرمندان در عتقوان جوانی شخصیت خود را در می یابند و بقیه عمر را صرف توسعه و گسترش هنر خود می کنند ؛ این مطالب در مورد «لنوکس برکلی» نیز صادق است ، بخصوص که ستر اوینسکی شخصاً رل مهمی در پیشرفت «برکلی» و پروراندن ذوق او برای آهنگسازی ، داشته است .



« لئوکس بر کلی » در سال ۱۹۰۳ متولد شد. پس از گرفتن دیپلم ازدانشگاه آکسفورد بنویسندگی توجه کرد و در سال ۱۹۲۶ تحصیلات جدی خود را در زمینه موسیقی آغاز کرد. « بر کلی » از سال ۱۹۲۷ تا سال ۱۹۳۳ در پاریس بسر می برد و نزد « نادیا بولانگر » تحصیل می کرد. مدتی تحت نفوذ موسیقی راول واقع شد و بعد شدیداً به سترایوسکی تمایل پیدا کرد و بالاخره به موسیقی فرانسه متمایل شد. از آثار اولیه او می توان يك اوراتوریو شوکلاسیک بنام « یونا » (۱۹۳۵) را نام برد. بین سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۵ « بر کلی » چند اثر برای ارکستر ساخت که همه از نظر فورم و آرمونی قابل ملاحظه است و دارای ریتمی قوی می باشد؛ این خصوصیات در آثار زیر بصور مختلف خودنمایی می کند: « سرنا د برای سازهای زهی » (۱۹۳۹) سنفونی (۱۹۴۰)، « دیورتیمنتو » (۱۹۴۳)، « تربوی زهی » (۱۹۴۴) و نوکتورن برای ارکستر (۱۹۴۵). آنچه بخصوص در نوکتورن بچشم می خورد بازگشت « بر کلی » از سبک شوکلاسیک و توجه به نوعی آرمونی و ملودی غنی و حتی روماتیک است.

« بر کلی » تا سال ۱۹۴۷ توجه زیادی به آواز نداشت و فقط چند آهنگ برای آن نوشته بود، اما در آن سال دواثر برجسته و مهم خود را که امروز در شمار بهترین آثار او محسوب می شود، نوشت. این آثار عبارتند از « ستایات مائر » ۴ برای شش صدا و ارکستر مجلسی و « چهار شعر سنت ترزای آویلا » ۴ برای صدای کنترا آلتو و سازهای زهی.

در هر دو این آثار موسیقی « بر کلی » آزادی خاصی را از نظر بیان و چگونگی اجرای آن می نمایاند که بهیچوجه مانع استادی وی در ساختمان و تار و پود آنها نمی باشد.

پیانو که ساز مورد علاقه آهنگسازان قرن نوزدهم بود در اوایل قرن بیستم بیشتر بعنوان يك ساز ضربی مورد استفاده قرار گرفت و « بر کلی » در فاصله سالهای ۱۹۲۰ الی ۱۹۳۰ تعداد مختصری آهنگ برای این ساز نوشت، در سال ۱۹۴۱ يك سونات نیمه روماتیک برای پیانیست انگلیسی « کلیفورد کارزون » ساخت؛ چند سال بعد (۱۹۴۷-۴۸) دو کنسرتو نوشت که اولی برای يك پیانو و دومی برای دو پیانو بود؛ « بر کلی » در کنسرتوی اولی سبک موسیقی شوپن را با آرمونی مورد قبول قرن بیستم درهم آمیخت؛ کنسرتوی پیانوی دومی فقط دو « موومان » داشت و از نظر اجرا مشکل تر از کنسرتوی اول بود. چندی بعد با انتشار شش پرلود برای پیانو معلوم شد که موسیقی « بر کلی » بیش از حد جنبه احساساتی بخود گرفته و به موسیقی فوره نزدیک شده است؛ خود بر کلی نیز بارها زبان بستایش فوره گشوده و از او بعنوان يك آهنگساز کم نظیر نام برده است.

۱ - Jonah - ۲ - Stabat Mater

۳ - Four Poems of St Teresa of Avila

تازه‌ترین اثر «برکلی» سنفونی شماره ۲ است (۱۹۵۹)؛ اما مهمترین آثار او از ۱۹۵۰ بیست و سه اوپراست. اولی «نلسون» نام دارد و اشعار آن از «آلان پریس جونز» می‌باشد؛ «برکلی» در این اوپرا در پروراندن قسمت های مختلف توفیق یافته است اما اوپرا یکدمست نیست؛ علاوه بر آن آهنگساز انگلیسی بدون رعایت سنن اوپرائی انگلیس به تئاتر غنائی توجه نموده است. دومین اوپرا «دعوت به ضیافت» نامیده می‌شود که از موسیقی فرانسوی مایه گرفته است. سومین اوپرا که «روت» نام دارد تحت تأثیر موسیقی کورال نوشته شده است. در واقع «برکلی» پس از تصنیف «یونا» به موسیقی کورال توجه زیادی مبذول داشت.

«برکلی» در حدود شصت سال دارد، با وجود این هنوز مملو از حرارت است و علاوه بر آهنگسازی سرگرم تعلیم سه پسر جوان خود و هنرجویان آکادمی سلطنتی موسیقی انگلستان می‌باشد. او به علت تواضع بیش از اندازه، خود را یک آهنگساز عادی می‌شمارد، اما موسیقی او با خصوصیات بدیع و سبکی خاص مورد پسند همگان واقع شده است و شك نیست که «برکلی» در معرفی موسیقی انگلستان سهمی عمده داشته و آثار او معرف موسیقی معاصر این سرزمین می‌باشد.

## ترجمه ۱.۱



۱ - Nelson - ۲ The Dinner Engagement - ۳

Ruth - ۳